

بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان شهر تبریز بر اساس پارادایم محیط‌زیستی نو

حسین بنی‌فاطمه¹، شهرام روستایی²، محمدباقر علیزاده اقدم³، فهیمه حسین‌نژاد^{4*}

1 استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

2 دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز

3 استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

4 دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

(تاریخ دریافت: 1390/12/14؛ تاریخ تصویب: 1392/3/27)

چکیده

رابطه انسان و محیط‌زیست در طول حیات بشری، فراز و نشیب‌های فراوان داشته است. طبیعت، گاه منبع الهام‌بخش معنوی و گاه منبع تأمین نیازهای مادی تلقی شده و با شگفتی‌های بی‌شمار، امید و ترس را توأمان در وجود بشر برانگیخته است. با افزایش شهرنشینی، پیدایش صنعت و فن‌آوری، چهره طبیعت مخدوش و استفاده بی‌محابا از آن برای مقاصد مادی بر افکار معنوی پیشی گرفت. با پیدایش اولین بحرآن‌های محیط‌زیستی، این امر بر انسان آشکار شد که استفاده بی‌رویه از محیط‌زیست، شبکه حیات را مختل کرده و بقاء جانداران و البته انسان‌ها را به خطر انداخته است. منشای این بحرآن‌ها در نوع نگرش، جهان‌بینی، نحوه تعامل و رفتار انسان‌ها نسبت به محیط‌زیست نهفته بود. در این مقاله، با استفاده از پارادایم⁽⁺⁾ محیط‌زیستی نو و مقیاس NEP، به بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان شهر تبریز پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهند که میانگین نگرش شهروندان مورد مطالعه در مورد حمایت از محیط‌زیست، در حد متوسط می‌باشد. همچنین میانگین نگرش محیط‌زیستی شهروندان براساس جنسیت و جهت‌گیری ارزشی مادی و فرامادی، متفاوت است. زنان و فرامادی‌گرایان، نگرش حمایتی‌تری دارند. بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نگرش محیط‌زیستی نیز رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی و اقتصادی، نگرش افراد حالتی حمایتی‌تری پیدا می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر سرمایه فرهنگی، حدود یازده درصد از واریانس نگرش محیط‌زیستی را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، نگرش، پارادایم محیط‌زیستی نو، جهت‌گیری ارزشی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی.

سرآغاز

تفکر درباره اهمیت و ارزش محیط‌زیست به اندازه تاریخ جوامع انسانی قدمت دارد. انسان همواره و در همه اعصار به هر شکل و صورتی نیازمند و وام‌دار طبیعت بوده و برای تأمین نیازهای مادی و معنوی خود، به آن پناه می‌برده است. تأمین بی‌دریغ نیازهای مادی و معنوی از سوی طبیعت نه تنها به آن ارزشی ذاتی بخشیده، بلکه طبیعت را به‌عنوان مهم‌ترین بخش حیات بشری درآورده است. «توجه به ارزش ذاتی گیاهان، جانوران وحشی و اکوسیستم‌های طبیعی پیش‌شرط حالت احترام بدان‌هاست» (بنسون، 1382).

در دهه‌های اخیر، مسایل محیط‌زیستی افزایش یافته و از لحاظ جغرافیایی گسترده‌تر شده‌اند. طوری که آلودگی‌های محلی به ویژه زباله‌های خطرناک، به مشکلاتی عمده بدل شده‌اند. مسایلی مانند فرسایش لایه اوزون، جنگل‌زدایی، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و تغییرات جوی در پهنه گسترده جغرافیایی و جهانی از مشکلات دیگر هستند. این مسایل دارای دلایل پیچیده و مرتبط هستند و حل آن‌ها بغرنج و چالش‌برانگیز می‌باشد. پژوهشگران علاقه‌مند هستند تا درک کنند که چگونه عامه مردم مسایل محیط‌زیستی را نگرسته و با عطف توجه به مسایل، «موضوعات نگرشی»⁽¹⁾ جدید را به وجود می‌آورند (Dunlap et al., 2000). بررسی نگرش از این‌رو مهم است که به طور کلی باور بر این است که نگرش بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. قدیمی‌ترین و ساده‌ترین مدل رفتارهای محیط‌زیستی بر پایه پیشرفت خطی از دانش محیط‌زیستی به آگاهی، ملاحظات محیط‌زیستی یا نگرش محیط‌زیستی است. در این مدل دانش محیط‌زیستی بر نگرش محیط‌زیستی تأثیر گذاشته و نگرش بر رفتارهای حمایتی از محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این مدل که بین نگرش و رفتار رابطه‌ای علی و مستقیم قایل است، نظریه کنش عقلانی (Azjen & Fishbein, 1980)، مدل پیش‌بینی‌کننده رفتار محیط‌زیستی مطرح شده توسط (Hines et al., 1987) و مدل رفتار اکولوژیکی (Fietkau & Kessel, 1981) نگرش را به همراه عوامل دیگر، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر رفتار حفاظتی از محیط‌زیست در نظر گرفته‌اند (Kollmuss & Agyeman, 2002). هدف این مقاله بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان شهر تبریز با استفاده از مقیاس «پارادایم (آیین)»⁽²⁾ محیط‌زیستی نو» و ارتباط آن با برخی متغیرهای دیگر است. در این قسمت پارادایم محیط‌زیستی نو شرح داده می‌شود.

پارادایم محیط‌زیستی نو

محیط‌زیست‌گرایان به ایجاد تغییراتی فراتر از توسعه سیاست‌های حفاظتی از محیط‌زیست تأکید می‌کنند. (Dunlap & Van Liere, 1978)، مطرح کردند که این خواسته محیط‌زیست‌گرایان، چالشی در برابر دیدگاه بنیادی راجع به ارتباط انسان و طبیعت به وجود می‌آورد. تعریف مفهومی آن‌ها از آن چه «پارادایم محیط‌زیستی نو»⁽²⁾ خوانده می‌شد، بر باورهایی در مورد توانایی بشر در آسیب رساندن به تعادل طبیعت، وجود محدودیت در رشد جوامع انسانی و حق بشر در برابر طبیعت متمرکز بود (Dunlap et al., 2000). آن‌ها با استفاده از مبانی این پارادایم، مقیاسی طراحی کرده و از آن برای سنجش جهان‌بینی، نگرش، باور و حتی ارزش محیط‌زیستی افراد استفاده کردند. اگرچه نظریه نگرش با طبقه‌بندی گویه‌هایی مجزا مخالفت می‌کند، اما به نظر می‌رسد که گویه‌های «پارادایم محیط‌زیستی نو» تنها به باورهای اولیه در مورد طبیعت زمین و ارتباط انسان با آن می‌پردازد. براساس نظر Rokeach باورهای بنیادی، هسته درونی نظام باورهای شخص را شکل می‌دهند و نشان‌دهنده حقیقت بنیادین فرد در مورد واقعیت‌های فیزیکی، اجتماعی و طبیعی خود می‌باشند.

از سوی دیگر، جامعه‌شناسان محیط‌زیست به درک و پیش‌بینی رفتارهای محیط‌زیستی افراد یک جامعه علاقه فراوانی دارند. یکی از معیارهای پیش‌بینی رفتارهای محیط‌زیستی، عامل نگرش می‌باشد. نظریه نگرش که توسط (Azjen & Fishbein, 1980) مطرح شده است، دلالت بر این دارد که رفتارها همواره دارای نیت و هدف هستند. این نظریه بر چگونگی انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد در موقعیت‌های خاص تمرکز می‌کند (Stets & Biga, 2003). نگرش به محیط‌زیست به مسایلی همچون حفاظت از حیات‌وحش، گیاهان، جنگل‌ها، جانوران بومی، حفظ منابع طبیعی و تلاش برای حل مسایل محیط‌زیستی در سطح کلان می‌پردازد.

(Catton & Dunlap, 1978)، با شناسایی محدودیت‌های رویکرد جدایی انسان از طبیعت⁽³⁾ مبانی پارادایم جدید بوم‌سازگان⁽⁴⁾ را پایه‌گذاری کردند. رویکرد جدایی انسان از طبیعت ادعا می‌کرد که ارتباط انسان و محیط‌زیست از منظر جامعه‌شناختی بی‌اهمیت است. زیرا انسان‌ها به‌عنوان گونه‌های برتر و به دلیل وجود فرهنگ از طبیعت جدا هستند. این رویکرد

داستان غم‌انگیز طبیعت همراه بوده است. رویکرد اکوسیستمی جدید تقسیمات پیشین در نظریات جامعه‌شناسی را تغییر داد. این نگرش جدید، افکار سبز در کسوتی دانشگاهی بود و از رهیافتی حمایت می‌کرد که کمتر انسان‌محور و بیشتر بوم‌محور بود. بدین معنی که انسان‌ها نیز فقط یک نوع از گونه‌های ساکن در روی زمین هستند (Hannigan, 1995). این پارادایم بر چهار فرض عمده استوار است:

1. انسان‌ها ویژگی‌های استثنایی دارند. آن‌ها یک گونه در بین گونه‌های دیگر هستند و با اکوسیستم جهانی دارای وابستگی‌های متقابل می‌باشند.
2. زندگی انسان‌ها نه تنها تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی است بلکه از حلقه پیچیده علل، آثار و بازخورهای شبکه حیات نیز تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، فعالیت‌های دارای هدف انسانی ممکن است پیامدهای ناخواسته داشته باشد.
3. انسان‌ها به محیط بیوفیزیکی وابسته هستند، در آن زندگی می‌کنند و محیط، محدودیت‌های بیولوژیکی و فیزیکی بر آن‌ها اعمال می‌کند.
4. هر چند ابتکارات انسانی یا قدرت مشتق از آن، گذر از محدودیت‌ها را ممکن می‌سازد، اما به هیچ وجه نباید قوانین اکولوژیکی را نقض کند (Humphrey et al., 2002).

جهان‌بینی محیط‌زیستی

برای سنجش نگرش محیط‌زیستی از مقیاس (Dunlap et al., 2000)، با عنوان NEP استفاده شده است. این مقیاس که از پارادایم اکوسیستمی جدید استخراج شده بر جهت‌گیری حمایتی از محیط‌زیست یا جهان‌بینی اکوسیستمی تأکید می‌کند، اولین بار توسط (Dunlap et al., 1978)، مطرح شده است. گویه‌های این مقیاس با انجام تحقیقات فراوان همواره مورد تعدیل واقع شده و برای بررسی نگرش محیط‌زیستی در دوره حاضر که ماهیت مسایل محیط‌زیستی نسبت به چند دهه پیش تغییر کرده، مناسب شده‌اند. گویه‌هایی که در این تحقیق از آن‌ها استفاده می‌شود توسط (Dunlap et al., 2000)، در تحقیقی دوباره مورد تعدیل قرار گرفته‌اند. آن‌ها گویه‌ها را در پنج بُعد محدودیت رشد⁽⁶⁾، ضدانسان‌محوری⁽⁷⁾، شکنندگی تعادل طبیعت⁽⁸⁾، انسان در برابر طبیعت⁽⁹⁾ و احتمال بحران محیط‌زیستی⁽¹⁰⁾ برای سنجش نگرش محیط‌زیستی در نظر گرفته بودند. استفاده از

از زمان انقلاب صنعتی تا نیمه دوم قرن 20 مسلط بود. پارادایم جدایی انسان از طبیعت بر چهار فرض عمده استوار بود:

1. انسان‌ها دارای میراث فرهنگی و ژنتیکی هستند که آن‌ها را از دیگر گونه‌های حیوانی متفاوت می‌سازد.
2. عوامل فرهنگی و اجتماعی همچون فن‌آوری، معین‌کننده‌های عمده امور انسانی هستند.

3. محیط‌زیست فرهنگی و اجتماعی بستریایی طاقت‌فرسا برای انسان هستند و محیط بیوفیزیکی بسیار گسترده و مبهم است.
4. فرهنگ حالت انباشتی دارد. بنابراین، پیشرفت‌های تکنولوژیک و اجتماعی می‌توانند نامحدود بوده و همه مسایل اجتماعی را قابل حل سازند (Humphrey et al., 2002).

آن‌ها درصدد ایجاد یک تغییر پارادایمی در مطالعات جامعه‌شناختی برآمدند و رویکرد مسلط که انسان را مستثنی از طبیعت در نظر می‌گرفت مورد انتقاد قرار دادند. رویکرد جدایی انسان از طبیعت، براساس جهان‌بینی غربی استوار بود که انسان‌ها را به صورت بنیادی از دیگر گونه‌ها متفاوت می‌دید؛ عوامل اجتماعی را در شکل‌گیری رفتار انسان مهم می‌دانست و مسایل اجتماعی را متأثر از نوآوری‌های علمی، تکنولوژیکی و سیاست اجتماعی در نظر می‌گرفت. بنابراین (Dunlap, & Catton 1978)، پارادایم جدید اکوسیستمی را بر مبنای تأثیر محیط‌زیست بر رفتار اجتماعی و تأثیر فرایندهای اجتماعی بر محیط‌زیست قرار دادند. آن‌ها چنین نتیجه‌گیری کردند که انسان‌ها همچون دیگر گونه‌ها با طبیعت کنش متقابل داشته و به اکوسیستم⁽⁵⁾ جهانی وابسته هستند (Cudworth, 2003).

بدین ترتیب در درون مطالعات اجتماعی، یک دیدگاه جدید به وجود آمد که متغیرهای محیط‌زیستی را در تحقیقات اجتماعی وارد کرده و چشم‌انداز جدیدی را برای جامعه‌شناسی تدارک می‌دید. این رویکرد با شناسایی ظرفیت ابتکاری انسان، معتقد بود که انسان‌ها به‌عنوان موجودات اکوسیستمی با دیگر گونه‌ها وابستگی متقابل دارند. همچنین به قدرت نیروهای اجتماعی و فرهنگی اهمیت قایل بود. در مقابل انسان‌ها نیز تحت تأثیر بازخورهای اکوسیستم می‌باشند. Catton معتقد بود که «جامعه انسانی جزئی جدایی‌ناپذیر از حیات است. اما سلطه اجتماعات انسانی بر طبیعت به خود-تخریبی منجر می‌شود» (Catton, 1982). انسان با ساخت جامعه‌ای پیچیده، به استفاده فزاینده و تهی‌سازی منابع وابسته شده است و در حقیقت موفقیت انسان با

سنی پیوند دارد. همچنین در بین کشورها، ارزش‌های محیط‌زیستی با ارزش‌های خودخواهانه و ترقی‌جویانه در تضاد است. (Kaiser et al., 1999)، در تحقیقی با عنوان «نگرش‌های محیط‌زیستی و رفتار بوم‌شناختی» به بررسی رفتارهای محیط‌زیستی پرداخته‌اند. در این تحقیق دانش محیط‌زیستی، ارزش‌ها و قصد رفتار بوم‌شناختی به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار محیط‌زیستی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که دانش و ارزش محیط‌زیستی چهل درصد از واریانس قصد رفتار و هفتادوپنج درصد از واریانس کل رفتار محیط‌زیستی را تبیین می‌کنند.

جهت‌گیری ارزشی

نظریه جهت‌گیری ارزشی یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی است که در زمینه دگرگونی ارزشی در دهه‌های اخیر مطرح شده است. این نظریه درون نظریه کلی‌تر تغییرات اجتماعی قرار دارد. Inglehart تغییرات اجتماعی را دارای سه فرایند اصلی می‌داند که عبارتند از توسعه اجتماعی - اقتصادی، دگرگونی ارزشی و دموکراتیک شدن نهادهای سیاسی (ولز و همکاران، 1382). از نظر او توسعه اجتماعی - اقتصادی فرایند دگرگونی ارزش‌ها را به وجود می‌آورد و دگرگونی ارزش‌ها به دموکراتیک شدن نهادهای سیاسی منتهی می‌شود. وی این نظریه خود را با بررسی دوران پس از جنگ جهانی دوم ساخته و پرداخته کرد. زمانی که توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی تحول در ارزش‌های افراد را در پی داشت. به‌گونه‌ای که این تحول حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را در بر می‌گرفت. به عبارت دیگر اولویت از امور مربوط به معاش فیزیکی و امنیت به سوی رفتارهایی همچون بیان نفس و کیفیت زندگی منتقل می‌شد. Inglehart در خصوص خیزش ارزش‌های فرامادی می‌نویسد که «فراگرد دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل‌ها به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع پیشرفته صنعتی انتقال می‌یابد. تحول از اولویت‌های ارزشی مادی به فرامادی مسایل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیروی محرکه بسیاری از جنبش‌ها گردیده است» (اینگلهارت، 1373). از جمله این جنبش‌ها می‌توان به جنبش زنان، جنبش‌های طرفدار مصرف‌کنندگان، جنبش ضداتمی و جنبش محیط‌زیستی اشاره کرد. این جنبش‌ها پرسش‌هایی این چنین را برمی‌انگیزد که آیا افراد اولویت را به رشد اقتصادی می‌دهند یا به حقوق فردی برای تحقق خود و کیفیت زندگی. بررسی‌ها نشان می‌دهند تا دهه‌های

گویه‌ها در این تحقیق به روایی آن‌ها بستگی داشت. بدین ترتیب برخی از گویه‌ها در پیش آزمون به دلیل عدم وجود روایی از تحقیق کنار گذاشته شده و در نهایت 12 گویه مورد بررسی قرار گرفتند. عنوان ابعاد و استخراج آن‌ها از این گویه‌ها نیز به زمینه تحقیق بستگی دارد.

تحقیقاتی که با استفاده از این مقیاس انجام شده است، بر عامه مردم به‌خصوص گروه‌هایی خاص تمرکز کرده‌اند. سنجش نگرش کشاورزان، اعضای گروه‌های ذینفع و اقلیت‌های قومیتی در ایالات متحده نمونه‌هایی از این تحقیقات هستند. همچنین از این مقیاس در کشورهایی همچون کانادا، سودان، ترکیه و ژاپن برای سنجش نگرش محیط‌زیستی شهروندان استفاده شده است (Dunlap et al., 2000). در ایران سنجش نگرش محیط‌زیستی شهروندان با استفاده از این مقیاس انجام نشده است. (رحمانی و مجیدی، 1388)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی» به نقش و توانایی زنان در حفظ محیط‌زیست شهری اشاره کرده و با الهام از نگرش اکوفمینیستی، تأکید کرده‌اند که زنان از طریق نزدیکی به زمین و گزینه حفاظت و پرورش می‌توانند از محیط‌زیست محافظت نمایند.

(جوادی، 1387)، در تحقیقی با عنوان «انسان‌محوری در اخلاق محیط‌زیستی با تأکید بر نگرش اسلامی» بر مسأله انسان‌محوری که یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفی در قلمرو اخلاق محیط‌زیستی است، پرداخته است. براساس یافته‌های وی، انسان‌محوری دینی در آموزه‌های مسیحیت، منشای اصلی بحران محیط‌زیست است و هرگونه راه‌حل برای مسایل محیط‌زیست باید براساس کنارگذاشتن اندیشه انسان‌محوری صورت گیرد. محقق با تأکید بر نگرش اسلامی در خصوص انسان، آن را سازگار با محیط‌زیست و براساس نگرش اسلامی، انسان را مسئول حفظ نظم و انتظام طبیعی خلقت و در نتیجه مانع بروز بحران محیط‌زیستی دانسته است.

(Usui et al., 2003)، در پژوهشی با عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی: مقایسه‌ای بین‌المللی» به بررسی و مقایسه ارزش‌های محیط‌زیستی در بین کشورهای آسیایی و غربی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در هلند و ایالات متحده ارزش‌های مربوط به محیط‌زیست با ارزش‌های نوع‌دوستی از دیدگاه مدرن و در بانکوک، ژاپن و مانیل ارزش‌های محیط‌زیست با ارزش‌های نوع‌دوستی از دیدگاه

فرضیه‌های ارزشی Inglehart متجانس می‌باشند. (Franzen and Meyer, 2008)، در پژوهشی با عنوان «نگرش محیط‌زیستی از دیدگاه بین‌المللی: تحلیل چندسطحی از برنامه پیمایش اجتماعی بین‌المللی بین سال‌های 2000-1993»⁽¹²⁾ بر ملاحظات و توجهات عامه مردم به محیط‌زیست طبیعی تمرکز کرده‌اند. نگرش محیط‌زیستی از طریق نظریه‌های فرامادی‌گرایانه Inglehart، تبیین جهانی‌شدن (Dunlap and Mertig, 1997) و فرضیه‌های رفاه مورد سنجش قرار گرفته و نتایج نشان داده‌اند که توجه به محیط‌زیست با نگرش فرامادی و متغیرهای مختلف اجتماعی و جمعیتی رابطه معنی‌دار دارد.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی از این رو در این پژوهش آورده شده است که دارندگان آن توان شناختی بالاتری در مباحث مهم جامعه دارند. فردی که سرمایه فرهنگی بالایی دارد، اطلاعاتش از اخبار مهم روز بیشتر بوده و می‌داند که دغدغه امروز جامعه محلی یا جهانی چیست. این اصطلاح که در اواخر دهه 1960 توسط بورديو ابداع شد، در ابتدا به این امر پرداخت که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری بین دانش‌آموزان طبقه‌های اجتماعی متفاوت در نظام آموزشی کافی نیستند. بلکه در این میان، عادات فرهنگی و تمایلات موروثی وجود دارند که مهم می‌باشند. بدین وسیله بورديو مفاهیم جامعه‌شناختی سنتی از فرهنگ که گرایش داشت فرهنگ را به مثابه هنجارها و ارزش‌ها تعریف کند را به چالش کشانده و تأکید کرد که فرهنگ، عادات و تمایلاتی است که قابلیت تولید منابع و سود را دارد (Weininger and Lareau, 2005). بنابراین، سرمایه فرهنگی در بردارنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در فرد انباشته می‌شود. از نظر بورديو تحصیلات نمودی از سرمایه فرهنگی است، با وجود این، گرایش به اشیای فرهنگی و تجمع محصولات فرهنگی در نزد فرد نیز سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود (فاضلی، 1382).

سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی شامل درآمد و بقیه منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند (فاضلی، 1382). استونز معتقد است «سرمایه اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را می‌توان در حق مالکیت یافت» (Stones, 1998). سرمایه اقتصادی به میزان

آخرین قرن بیستم، رشد اقتصادی امری خوب تلقی می‌شد. اما با بروز مسایل و مشکلات منابع طبیعی و آلودگی‌های محیط‌زیستی مشخص شد که رشد اقتصادی همیشه خوب نبوده و قادر نیست آثار مخرب خود بر محیط‌زیست را توجیه کند. بنابراین، جنبش‌های محیط‌زیستی سر برآوردند و با کمک ارزش‌های فرامادی تلاش کردند تا موفقیت‌هایی در کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و جایگزینی نیروی بخار کسب کنند (Inglehart, 1981).

Inglehart معتقد است مهم‌ترین چالش بین اولویت‌های مادی‌گرایان و فرامادی‌گرایان، کشمکش بر سر استفاده از قدرت هسته‌ای بود. در حالی که محیط‌زیست‌گرایان انرژی هسته‌ای را به دلیل آلودگی تایید نمی‌کردند. از سوی دیگر بروز فاجعه هیروشیما و ناکازاکی آن‌ها را دچار تناقض می‌ساخت. به طوری که در تحلیل نهایی، اولویت بسیار کمی برای رشد اقتصادی به دلایل آلودگی محیط‌زیست یا احتمال بروز فجایع انسانی قایل می‌شدند. کشمکش بر سر انرژی هسته‌ای به نوعی نشان‌دهنده جهان‌بینی‌ها نیز بود. برای مادی‌گرایان استفاده از انرژی هسته‌ای به‌عنوان امری مطلوب تلقی می‌شد که با رشد اقتصادی و استخدام کامل شهروندان پیوند داشت. همچنین برای مادی‌گرایان علم توسعه یافته و صنعت باعث پیشرفت و کامیابی بود. در صورتی که برای فرامادی‌گرایان انرژی هسته‌ای چیزی بود که باید رد می‌شد. زیرا نه تنها خطری بالقوه بود، بلکه با تجارت‌های بزرگ، علم و صنعت در مقیاس کلان و سازمان‌های بوروکراتیک ارتباط داشت. بنابراین، فرامادی‌گرایان اولویت‌های مادی‌گرایان را چیزهایی می‌دانستند که غیرشخصی و سلسله‌مراتبی بوده و بیان نفس انسانی را محدود می‌سازند.

این مفهوم در تعدادی از تحقیقات تجربی بررسی شده است. (Gelissen, 2007)، در تحقیقی با عنوان «تبیین حمایت عامه مردم از حفاظت محیط‌زیستی»⁽¹¹⁾ به حمایت عامه مردم از محیط‌زیست در 50 کشور پرداخته است. نتایج تحلیل چند سطحی نشان می‌دهند که متغیرهای مهمی در درون و بین‌ملل در حمایت از محیط‌زیست نقش دارند. متغیرهای درآمد، فرامادی‌گرایی، آموزش، مباحث محیط‌زیستی و سن، ارتباط مستقیمی با حفاظت از محیط‌زیست نشان داده‌اند. متغیرهای زمینه‌ای همچون تولید ناخالص ملی و رشد آن و جهت‌گیری ارزشی فرامادی عامه مردم نیز در بین‌ملل، ارتباط مستقیمی با سطح حمایت از محیط‌زیست داشت. از این رو یافته‌ها با

سنجش متغیرهای وابسته و مستقل

نگرش محیط‌زیستی: برای سنجش نگرش محیط‌زیستی از 12 گویه شش گزینه‌ای در سطح رتبه‌ای لیکرت استفاده شده است. توافق با گویه‌های 2، 4، 6، 7، 8، 11 و 12 و عدم توافق یا مخالفت با گویه‌های 1، 3، 5، 9 و 10 نشان‌دهنده‌ی نگرش حمایتی نسبت به محیط‌زیست است. برای سنجش همسانی و همخوانی درونی گویه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده 0/64 می‌باشد که نشان می‌دهد روایی گویه‌ها در حد قابل قبول است. به منظور تعیین اعتبار سازه‌ی وسیله اندازه‌گیری، تفکیک و دسته‌بندی پرسش‌های 12 گانه، از تکنیک تحلیل عاملی براساس تجزیه به مولفه‌های اصلی استفاده شده که براساس نتایج مقدار KMO برابر 0/701 به دست آمده و چون این مقدار از 0/5 بزرگ‌تر است، نتیجه گرفته می‌شود که تعداد نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب است. مقدار کرویت‌بارتلت برابر 1556/133 با سطح معنی‌داری 0/000 به دست آمده و به دلیل معنی‌دار بودن، تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و پرسش‌های مربوط به هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی از خود نشان داده‌اند. بیشترین مقدار ویژه به ترتیب 2/69 و 2/14 مربوط به عامل‌های اول و دوم می‌باشد. عامل اول حدود 22/45 درصد و عامل دوم حدود 17/86 درصد از واریانس کل عامل‌بندی‌ها را تبیین می‌کنند. کل واریانس تبیین شده 60/53 درصد است و تقلیل پرسش‌های 12 گانه با 4 عامل انجام شده است. بارهای عاملی با روش واریماکس چرخش داده شده‌اند. گویه‌های مربوط به هر عامل با بارعاملی، مقدار ویژه و واریانس تبیین شده در جدول (1) آمده است.

جهت‌گیری ارزشی: این متغیر با استفاده از مقیاسی که Inglehart معرفی کرده است، عملیاتی شده است. گویه‌های مولفه مادی عبارتند از حفظ نظم در کشور، مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از این که کشور نیروی دفاعی نیرومندی دارد، حفظ ثبات اقتصاد و مبارزه با تبه‌کاری. گویه‌هایی که برای سنجش اولویت‌های فرامادی مطرح شدند، عبارتند از دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و جامعه، کوشش در جهت

سرمایه مادی در نظام تولیدی اشاره دارد و به مفهوم مارکسی سرمایه نزدیک است (ممتاز، 1383). اهمیت سرمایه اقتصادی برای بورژوازی به این دلیل بود که وی نرخ تبدیل‌پذیری این گونه سرمایه را در سنجش با دیگر سرمایه‌ها بالا می‌دانست؛ نرخی که در بالا بودن سطح منزلت افراد در سلسله‌مراتب نقش محوری دارد (عطار، 1387). سرمایه اقتصادی در نوع ارتباط با محیط‌زیست اهمیت فراوانی دارد. زیرا سرمایه شامل مالکیت می‌باشد و مالکیت شامل زمین، خانه، ماشین و مصرف بیشتر. بنابراین، کسی که سرمایه اقتصادی بالایی دارد میزان استفاده‌اش از محیط‌زیست بیشتر بوده و در توزیع منابع، سهم بیشتری را صاحب شده است.

در این بررسی، از آنجایی که مقیاس نگرش محیط‌زیستی فاصله‌ای، جنسیت و جهت‌گیری ارزشی اسمی دو حالتی می‌باشند، برای سنجش ارتباط بین آن‌ها از آزمون‌های تفاوت میانگین استفاده شده است. برای آزمون رابطه متغیرهای سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نگرش محیط‌زیستی، نیز از آزمون‌های همبستگی استفاده شده است. زیرا هر دو متغیر در مقیاس فاصله‌ای هستند.

- نگرش محیط‌زیستی شهروندان براساس جنسیت متفاوت است.
- نگرش محیط‌زیستی شهروندان براساس جهت‌گیری ارزشی متفاوت است.
- بین نگرش محیط‌زیستی و سرمایه فرهنگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین نگرش محیط‌زیستی و سرمایه اقتصادی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش است. این تحقیق از نوع کاربردی و با هدف تبیینی بوده؛ از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می‌باشد که در زمان خاصی انجام می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شهروندان بالای 15 سال شهر تبریز می‌باشد که براساس آمار 1385، 1106731 نفر است. از این تعداد 565540 نفر مرد و 541191 نفر زن هستند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه 666 نفر به دست آمد. اما، به دلیل از بین بردن تأثیر کدهای گمشده به 682 نفر افزایش پیدا کرد.

زیباسازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر و حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه در آن

جدول (1): نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های نگرش محیط‌زیستی

متغیر وابسته	ابعاد متغیر وابسته	گویه‌ها و پرسش‌ها	بار عاملی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	درصد واریانس تبیین شده
نگرش محیط‌زیستی	طبیعت محوری	1. انسان‌ها حق دارند که از منابع طبیعی برای برطرف ساختن نیازهایشان استفاده کنند.	0/783	2/69	45/22	
		2. گیاهان و حیوانات به اندازه انسان‌ها حق زندگی دارند.	0/812			
		3. انسان‌ها برتر از قوانین طبیعت هستند.	0/726			
	محدودیت رشد	4. جمعیت کره زمین آنقدر زیاد شده که دیگر منابع طبیعی برای همه کافی نیست.	0/781	2/14	86/17	
		5. زمین سیاره‌ای پر از منابع طبیعی است در صورتی که ما یاد بگیریم چطور از آن استفاده کنیم.	0/769			
		6. زمین همچون سفینه‌ای با منابع محدود است.	0/760			
احتمال بحران محیط‌زیست	7. انسان‌ها به شدت از محیط‌زیست سواستفاده می‌کنند.	0/795	1/42	84/11		
	8. اگر اوضاع بدین منوال ادامه پیدا کند مابه زودی فجایع محیط‌زیست را تجربه خواهیم کرد.	0/740				
	9. در سطح جهان بحران‌های محیط‌زیستی شدید و وخیم وجود ندارد.	0/689				
شکندگی تعادل طبیعت	10. طبیعت آنقدر قوی است که بتواند آثار منفی زندگی صنعتی را از بین ببرد.	0/810	1	8/37		
	11. زمانی که انسان‌ها در طبیعت مداخله می‌کنند، اغلب پیامدهای ناگوار به وجود می‌آید.	0/710				
	12. تعادل طبیعت بسیار ظریف و شکننده است.	0/637				

تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در فرد انباشته می‌شود. تحصیلات نمودی بارز از سرمایه فرهنگی و گرایش به اشیای فرهنگی و جمع‌شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد از انواع دیگر سرمایه فرهنگی محسوب می‌شوند (فاضلی،

بیشتر از پول است (اینگلهارت، 1373). شهروندان بین دو دسته از گویه‌ها، یک دسته را انتخاب کرده‌اند. به عبارت دیگر، این متغیر به صورت مقیاس اسمی دو حالتی (مادی یا فرامادی) استفاده شده است. سرمایه فرهنگی: این نوع سرمایه دربرگیرنده

بدین معنی که آنها احتمال بروز بحران را در محیط‌زیست محتمل می‌دانند. ابعاد طبیعت‌محوری و شکنندگی تعادل طبیعت در حد متوسط قرار داشته و محدودیت رشد، در حد متوسط رو به پایین قرار دارد. بدین معنی که شهروندان تا حدودی نگرش طبیعت‌محوری دارند و برای طبیعت اعم از گیاهان و حیوانات حق حیات قایلند و تعادل طبیعت را تا حدی ظریف و شکننده فرض می‌کنند. اما در خصوص محدودیت رشد، میانگین نشان می‌دهد که شهروندان کمتر به محدودیت رشد باور دارند و فکر می‌کنند زمین دارای منابع عظیم و غنی برای رشد جوامع است.

متغیرهای مستقل تحقیق: سرمایه فرهنگی با استفاده از 30 گویه در طیف هفت گزینه‌ای عملیاتی شده است. نمره 30 نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح و نمره 210 نشان‌دهنده بالاترین سطح سرمایه فرهنگی می‌باشد. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه 110 می‌باشد که از نظر نمره برحسب صد 44 است. به عبارت دیگر، شهروندان مورد مطالعه در حد متوسط رو به پایین دارای سرمایه فرهنگی هستند.

سرمایه اقتصادی با استفاده از 4 گویه عملیاتی شده است. با توجه به این که این گویه به شکل شش‌گزینه‌ای مطرح شده بود، به گزینه اول نداشتن (منزل مسکونی، سایر املاک و ماشین) نمره صفر داده شده است. اما هر فرد چون حداقل درآمد را دارا می‌باشد، درآمد از یک تا شش نمره‌گذاری شده است. در این زمینه، نمره 1 نشان‌دهنده حداقل سرمایه اقتصادی و نمره 23، نشان‌دهنده سرمایه اقتصادی بالا در بین شهروندان مورد مطالعه می‌باشد. در این تحقیق، میانگین به‌دست آمده 8 می‌باشد که دلالت بر این دارد سرمایه اقتصادی شهروندان تهریزی در حد متوسط رو به پایین است. در جدول (2) میانگین نمره پاسخگویان آورده شده است.

1382). در این تحقیق، برای سنجش سرمایه فرهنگی از گویه‌های زیر استفاده شده است: تحصیلات (خود فرد و والدین)، عضویت در کتابخانه (خود فرد و والدین)، کتابخانه شخصی و تعداد جلدکتاب، تعداد زبان‌های خارجی که فرد و والدین وی با آن آشنا هستند، میزان علاقه و صرف وقت برای کار با اینترنت، مطالعه، روزنامه، نشریات، مجلات و کتاب‌های داستانی، گوش دادن به موسیقی، جمع‌آوری تابلوهای نقاشی و عتیقه‌جات، عکاسی، خطاطی، نقاشی، تماشای فیلم و تئاتر، رفتن به موزه، نمایشگاه و فرهنگ‌سراها، سخنرانی و کنفرانس‌ها. روایی این متغیر 0/88 می‌باشد که دلالت بر روایی بالا دارد.

سرمایه اقتصادی: این نوع سرمایه شامل درآمد و اموالی است که در قالب مالکیت جلوه می‌کند (فاضلی، 1382). برای سنجش سرمایه اقتصادی از مولفه‌های درآمد، ارزش ریالی منزل مسکونی، ارزش اتومبیل شخصی و املاک دیگر استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی تحقیق

در این پژوهش از 682 نفر نمونه آماری، 339 مورد مرد و 343 مورد زن بودند. به عبارت دیگر، 49/7 درصد مرد و 50/3 درصد را زنان تشکیل داده‌اند. متغیر وابسته تحقیق، نگرش محیط‌زیستی با استفاده از 12 گویه در مقیاس رتبه‌ای و طیف شش‌گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است. نمره 12 نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح و نمره 72 نشان‌دهنده بالاترین سطح نگرش حمایتی از محیط‌زیست می‌باشد. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه 49 می‌باشد که از نظر نمره برحسب صد 61 است. به عبارت دیگر، شهروندان مورد مطالعه تا حد متوسط دارای نگرش حمایتی از محیط‌زیست هستند. در خصوص ابعاد نگرش محیط‌زیستی، نتایج نشان می‌دهند که میانگین احتمال بروز بحران در محیط‌زیست در بین شهروندان بالاست.

جدول (2): میانگین نمره پاسخگویان

انحراف معیار	نمره از صد	میانگین	دامنه تغییرات	تعداد سوال	
5/58	61	49	71-33	12	نگرش محیط‌زیستی
2/45	61	12/11	18-3	3	بعد طبیعت‌محوری
2/27	44	9/69	3-17	3	بعد محدودیت‌رشد
2/37	73	14	18-7	3	بعد احتمال بحران
2/36	65	12/74	4-18	3	بعد شکنندگی تعادل طبیعت

21/73	44	110	168-25	30	سرمایه فرهنگی
3/81	35	8	21-1	4	سرمایه اقتصادی

جهت‌گیری ارزشی شهروندان مورد مطالعه نشان می‌دهد که 329 نفر دارای ارزش‌های مادی و 353 نفر دارای ارزش‌های فرامادی می‌باشند. در جدول (3) فراوانی جنسیت و جهت‌گیری ارزشی ارایه شده است. این جدول، نشان می‌دهد که زنان بیشتر دارای جهت‌گیری ارزشی فرامادی می‌باشند. آن‌ها برای آزادی بیان، اعطای حق به مردم در تصمیم‌گیری‌ها، زیباسازی شهرها و حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه ارزش بیشتر قایل هستند. در صورتی که مردان برای حفظ نظم، افزایش قیمت‌ها، رشد اقتصادی و مبارزه با تبه‌کاری اهمیت قایلند. این مساله با نقش اقتصادی که عرف و سنت برای مردان قایل است، مرتبط می‌باشد.

جدول (3): فراوانی جنسیت و جهت‌گیری ارزشی

کل	جهت‌گیری ارزشی فرامادی	جهت‌گیری ارزشی مادی	
339	184	155	زن
343	169	174	مرد
682	353	329	کل

یافته‌های استنباطی تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های تفاوت میانگین و همبستگی پیرسون و برای بررسی تفاوت بین میانگین نگرش محیط‌زیستی برحسب جنسیت از آزمون تفاوت میانگین استفاده شده است. زیرا جنسیت متغیر اسمی دوحالتی و نگرش محیط‌زیستی متغیر فاصله‌ای می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند که براساس سطح معنی‌داری $0/007$ ، نگرش محیط‌زیستی شهروندان بر حسب جنسیت تفاوت معنی‌دار دارد. به عبارتی نگرش محیط‌زیستی زنان نسبت به نگرش مردان حالتی حمایتی‌تر دارد. با بررسی تفاوت میانگین ابعاد نگرش محیط‌زیستی بر حسب متغیر جنسیت چنین به‌دست آمد که بین میانگین زنان و مردان در خصوص بعد طبیعت‌محوری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری برای گیاهان و حیوانات قایل هستند و منابع طبیعی را دارای اهمیتی فراتر از تأمین نیازهای بشری تلقی می‌کنند. نگرش زنان و مردان در ابعاد شکنندگی تعادل طبیعت، محدودیت رشد و احتمال بحران تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. این امر می‌تواند با نتایج توصیفی که پیشتر مطرح شد، مرتبط باشد. زیرا در نتایج توصیفی مشاهده شد که میانگین شهروندان در شکنندگی طبیعت متوسط و در محدودیت رشد پایین است. اما احتمال بروز بحران را در محیط‌زیست بالا می‌دانند. مباحثی که ممکن است نه با جنسیت بلکه با واقعیت‌های روز و پخش اخبارهای راجع به محیط‌زیست یا اعلام هشدارهای جهانی، ملی یا محلی بیشتر قابل تبیین باشد. این نتایج در جدول (4) آمده است.

جهت‌گیری ارزشی: از آنجایی که جهت‌گیری ارزشی در مقیاس اسمی دوحالتی اندازه‌گیری شده، برای بررسی تفاوت بین میانگین نگرش محیط‌زیستی شهروندان براساس جهت‌گیری ارزشی از آزمون تفاوت میانگین استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که با توجه به سطح معنی‌داری $0/029$ تفاوت معنی‌داری بین نگرش محیط‌زیستی براساس جهت‌گیری ارزشی وجود دارد. افراد دارای جهت‌گیری فرامادی نگرش حمایتی‌تر نسبت به محیط‌زیست دارند. در حالی که افراد دارای جهت‌گیری ارزشی مادی میانگین کمتری در نگرش حمایتی از محیط‌زیست داشتند. این موضوع در تحقیقات (Gelissen, 2007; Franzen & Meyer, 2008) نیز تایید شده است. با بررسی تفاوت میانگین ابعاد نگرش محیط‌زیستی با جهت‌گیری ارزشی چنین به‌دست آمد که بین میانگین جهت‌گیری ارزشی مادی و فرامادی در خصوص بعد طبیعت‌محوری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. فرامادی‌گرایان بر

این باورند که گیاهان و حیوانات به اندازه انسان‌ها حق زندگی دارند و انسان تنها یک گونه در بین گونه‌های دیگر است. در بعد محدودیت رشد نیز تفاوت معنی‌دار براساس جهت‌گیری ارزشی به‌دست آمد. بدین معنی که مادی‌گرایان نسبت به فرامادی‌گرایان بیشتر به محدودیت رشد معتقدند. این امر می‌تواند به دلیل شناخت کمی مادی‌گرایان از منابع طبیعی باشد. میانگین جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایان و فرامادی‌گرایان در ابعاد شکنندگی تعادل طبیعت و احتمال بحران تفاوت معنی‌داری را نشان نداد.

سرمایه فرهنگی: برای سنجش رابطه بین سرمایه فرهنگی و نگرش محیط‌زیستی از آزمون r پیرسون استفاده شده است. زیرا سرمایه فرهنگی دارای مقیاس فاصله‌ای است. نتایج نشان می‌دهند که بین سرمایه فرهنگی و نگرش محیط‌زیستی همبستگی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی، نگرش حمایتی نسبت به محیط‌زیست بیشتر می‌شود. بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با ابعاد نگرش محیط‌زیستی نشان می‌دهد که بین ابعاد محدودیت رشد و احتمال بحران با سرمایه فرهنگی همبستگی وجود دارد. هر چه سرمایه فرهنگی فرد بالا باشد، اعتقاد به محدودیت رشد و احتمال بحران نیز بالا می‌رود. همچنین بین ابعاد طبیعت‌محوری و شکنندگی تعادل طبیعت با سرمایه فرهنگی همبستگی وجود دارد. افرادی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند، بیشتر دارای نگرش طبیعت‌محوری بوده و تعادل طبیعت را ظریف و شکننده تلقی می‌کنند. با این تفاسیر نگرش نسبت به محیط‌زیست امری شناخت‌محور می‌باشد و با افزایش دانش افراد از مسایل محیطی و علوم مختلف، نگرش افراد حالتی حمایتی‌تر پیدا می‌کند. سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است. برای سنجش رابطه سرمایه فرهنگی با نگرش محیط‌زیستی از آزمون r پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهند که بین سرمایه اقتصادی و نگرش محیط‌زیستی همبستگی وجود دارد. هر چه میزان سرمایه اقتصادی افزایش یابد نگرش محیط‌زیستی نیز حالتی حمایتی‌تر خواهد داشت. دلیل این رابطه می‌تواند این باشد که افرادی که سرمایه اقتصادی بالاتری دارند دسترسی‌شان به اخبار و اطلاعات بیشتر است، در مناطق تمیزتری از شهر زندگی می‌کنند و با محیط‌زیست پاک‌تری مواجه هستند. حتی ممکن است داشتن گرایش حمایتی نسبت به محیط‌زیست را امری منزلتی تلقی کنند. با این حال بین ابعاد نگرش محیط‌زیستی و سرمایه اقتصادی رابطه‌ای مشاهده نشد. جدول‌های (4 تا 6)

جدول (4): نتایج آزمون تفاوت میانگین نگرش محیط‌زیستی براساس جنسیت

متغیر وابسته	جنسیت	میانگین	درجه آزادی	مقدار تی	سطح معنی‌داری
نگرش محیط‌زیستی	زن	49/74	679/37	2/7	0/007
	مرد	48/53			
محدودیت رشد	زن	9/53	679/14	-1/8	0/071
	مرد	9/85			
طبیعت محوری	زن	12/34	677/31	2/47	0/031
	مرد	11/88			
شکندگی تعادل طبیعت	زن	12/69	679/82	-0/48	0/626
	مرد	12/78			
احتمال بحران محیط‌زیستی	زن	2/21	680	0/35	0/721
	مرد	2/52			

جدول (5): نتایج آزمون تفاوت میانگین نگرش محیط‌زیستی براساس جهت‌گیری ارزشی

متغیر وابسته	جهت‌گیری ارزشی	میانگین	درجه آزادی	مقدار تی	سطح معنی‌داری
نگرش محیط‌زیستی	مادی	48/62	674/9	-2/19	0/029
	فرامادی	49/6			
محدودیت رشد	مادی	9/89	675/24	2/27	0/023
	فرامادی	9/5			
طبیعت محوری	مادی	11/88	658/44	-2/35	0/019
	فرامادی	12/82			
شکندگی تعادل طبیعت	مادی	12/67	671/52	-0/66	0/50
	فرامادی	12/79			
احتمال بحران محیط‌زیستی	مادی	13/88	678/55	-1/76	0/079
	فرامادی	14/02			

جدول (6): نتایج همبستگی سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نگرش محیط‌زیستی

سرمایه اقتصادی		سرمایه فرهنگی		
ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	
0/11	0/008	0/338	0/000	نگرش محیط‌زیستی
0/025	0/542	0/13	0/002	محدودیت رشد
0/064	0/123	0/094	0/023	طبیعت محوری
0/021	0/614	0/132	0/001	شکندگی تعادل طبیعت
0/086	0/066	0/143	0/001	احتمال بحران

تعیین نگرش محیط‌زیستی: تحلیل رگرسیون

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش محیط‌زیستی، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره با روش گام به گام استفاده شده است. رگرسیون به دنبال پیش‌بینی است، بدین معنی که تغییرات

یک متغیر به وسیله متغیرهای دیگر برآورد یا پیش‌بینی شود. در رگرسیون چندمتغیره با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر به پیش‌بینی متغیر وابسته پرداخته می‌شود. در رگرسیون چندمتغیره گام به گام قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله شده و این

4 است و به طور معمول محدوده بین 2/5 - 1/5 مورد قبول و نشان‌دهنده مستقل بودن باقی‌مانده‌ها از یکدیگر می‌باشد. در این آزمون مقدار دوربین‌واتسون 1/79 به دست آمده که نشان می‌دهد باقی‌مانده‌ها مستقل از یکدیگر هستند. در جدول (8)، با استفاده از مقادیر بی می‌توان معادله رگرسیون را نوشت. ضریب بتای متغیر سرمایه فرهنگی 0/338 است. بدین معنی که با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در سرمایه فرهنگی، 0/338 واحد در نگرش محیط‌زیستی تغییر ایجاد می‌شود. از طرف دیگر، ضریب بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی متغیرها و نقش آن در پیش‌بینی متغیر وابسته است. ضریب بتای سرمایه فرهنگی دلالت بر این دارد که سرمایه فرهنگی، سهم بیشتری در تبیین واریانس نگرش محیط‌زیستی دارد. آزمون تی مربوط به ضریب رگرسیون نیز در جدول (8) نشان می‌دهد که این ضریب معنی‌دار بوده و در برآورد مقدار متغیر وابسته مؤثر می‌باشد. جداول زیر، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را نشان می‌دهند.

کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به 5 درصد برسد. در این تحقیق، تنها متغیر سرمایه فرهنگی وارد معادله شد. اما متغیرهای جنسیت، جهت‌گیری ارزشی و سرمایه اقتصادی به دلیل سهم اندک در تبیین واریانس متغیر وابسته، وارد معادله نشدند. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی بین نگرش محیط‌زیستی و سرمایه فرهنگی 0/338 در حد متوسط است. ضریب همبستگی مبنایی برای تعیین دقت برآورد رگرسیون می‌باشد. مجذور همبستگی یا r^2 به دست آمده 0/114 می‌باشد. بدین معنی که متغیر سرمایه فرهنگی 11/4 درصد از واریانس نگرش محیط‌زیستی را تبیین می‌کند. با توجه به این که مجذور r^2 تعداد درجه آزادی را در نظر نمی‌گیرد از مجذور r^2 تصحیح‌شده نیز استفاده می‌شود. در این تحقیق، تعداد متغیر مستقل کم است بنابراین، فاصله مجذور r^2 یا ضریب تعیین از ضریب تعیین تعدیل‌شده کم است. معنی‌دار بودن رگرسیون در جدول (7) به وسیله F محاسبه شده است که در سطح 99 درصد ($\text{sig} = 0.000$) معنی‌دار است. دوربین‌واتسون نیز فرض مستقل بودن خطاها یا باقی‌مانده‌ها را آزمون می‌کند. دامنه این کمیت بین 0 و

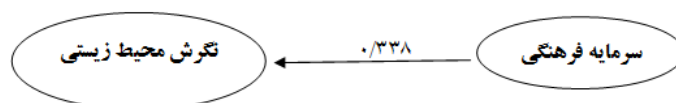
جدول (7): نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره

همبستگی		مجذور r^2	مجذور r^2 تصحیح‌شده		دوربین‌واتسون
0/338		0/114	0/113		1/79
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	اف	سطح معنی‌داری
رگرسیون	1307/31	1	1307/31	74/55	0/000
باقی‌مانده	10152/44	579	17/534		
کل	11459/75	580			

جدول (8): متغیر واردشده در مدل رگرسیون

معنی‌داری	تی	بتا	بی	مقدار ثابت
0/000	45/713		40/83	
0/000	8/635	0/338	0/069	سرمایه فرهنگی

مدل رگرسیونی به دست آمده بدین صورت می‌باشد و مقدار موجود همان بتا است.



براساس مقیاس NEP قرار دارد. مطالعات نشان می‌دهند که عدم «توجه» به حفظ محیط‌زیست در اکثر کشورهای جهان به صورت گسترده وجود دارد. بی‌اعتنایی نسبی به محیط‌زیست از

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق بر محور شناخت و بررسی نگرش محیط‌زیستی، با استفاده از پارادایم محیط‌زیستی نو (آیین نوین محیط‌زیستی) و

مطابقت داشت. بین نگرش محیط‌زیستی با سرمایه فرهنگی و اقتصادی نیز رابطه معنی‌دار وجود داشت. بدین‌معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی و اقتصادی، نگرش نسبت به محیط‌زیست حمایتی‌تر می‌شود. با انجام رگرسیون چندگانه این یافته به‌دست آمد که سرمایه فرهنگی به تنهایی 11/4 درصد از واریانس نگرش محیط‌زیستی را تبیین می‌کند. این امر، اهمیت گردش آزادانه اطلاعات و طرح مسایل محیط‌زیستی در رسانه‌های جمعی را نشان می‌دهد. زیرا سرمایه فرهنگی دلالت بر میزان شناخت و آگاهی مردم دارد و هر چه میزان آگاهی مردم یا تعلق خاطر به مسایل فرهنگی بالا باشد، دارای نگرش حمایتی‌تر می‌شوند. این امر، از سوی دیگر نشان می‌دهد که نگرش به محیط‌زیست یک امر شناختی و فرهنگی است و می‌توان در حل مسایل محیط‌زیستی از عنصر فرهنگ‌سازی به عنوان عنصری تأثیرگذار بهره جست. همچنین این نتیجه‌گیری تأییدی است بر نظریه کاتون و دانوپ که بر تأثیر نیروهای اجتماعی و فرهنگی بر محیط‌زیست قایل هستند. از این‌رو، توجه به افزایش سرمایه فرهنگی در جامعه، آموزش و افزایش سواد محیط‌زیستی می‌تواند بر نوع نگرش افراد نسبت به محیط‌زیست تأثیر بگذارد.

پیشنهادها

از آنجایی که در تحقیقات داخلی استفاده از مقیاس NEP برای سنجش نگرش محیط‌زیستی مشاهده نشده است، پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

- شناسایی پارادایم محیط‌زیستی نو؛
- استفاده از گویه‌های مقیاس NEP برای سنجش نگرش محیط‌زیستی در ایران؛
- فراتحلیل تحقیقات انجام شده در داخل در حوزه نگرش محیط‌زیستی و تعیین قرابت مفهومی آن‌ها با مقیاس NEP؛
- بررسی ارتباط عوامل اجتماعی دیگر با مقیاس NEP؛
- بررسی نگرش محیط‌زیستی افراد و تعیین ارتباط آن با نحوه تعامل افراد با محیط‌زیست یا سبک زندگی محیط‌زیستی.

یادداشت‌ها

+ آیین نوین محیط‌زیستی: سردبیر

1. Attitude Objects

طرف مسئولان و مردم نه تنها منجر به ایجاد شرایط نامساعد در طبیعت شده، بلکه رفاه و آسایش عمومی را در خطر قرار داده است. از سوی دیگر وجود بحران‌ها توجه برخی را به محیط‌زیست جلب کرده و پرسش‌هایی از این قبیل مطرح شده است که مطلوبیت نهایی ساکنان کره زمین در چیست؟ استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی برای تأمین نیازهای مادی یا رعایت جانب احتیاط، برای پاسخ به این سوال بنیادی، پژوهش درخصوص نوع نگرش، جهان‌بینی و رفتار مردم اهمیتی ضروری دارد. برخی از راه‌حل‌هایی که در این راستا بر آن‌ها تأکید شده است، عبارتند از استفاده محتاطانه از منابع طبیعی با توجه به نسل‌های آینده، پایداری یا مدرنیزاسیون اکوسیستمی، کنترل میزان رشد جمعیت، کنترل میزان مصرف و تولید جوامع و هماهنگی آن با ساختار طبیعت، همسویی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با محیط‌زیست، کنترل تولید زباله‌های صنعتی و غیرقابل بازیافت، ایجاد فرهنگ مصرف بهینه به جای ایدئولوژی مصرف‌گرایی، احترام به طبیعت به جای نگرش ابزاری، آموزش مردم و ایجاد آگاهی محیط‌زیستی. اما آن چه در این میان اهمیتی فراتر دارد، نوع نگرش انسان‌ها به محیط‌زیست می‌باشد. زیرا نگرش عاملی عمده در جهت‌دهی به رفتار و سبک زندگی افراد است.

هدف این تحقیق، بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان شهر تبریز و ارتباط آن با برخی عوامل اجتماعی بود. نتایج نشان دادند که نگرش محیط‌زیستی شهروندان مورد مطالعه در حد متوسط است. بدین معنی که شهروندان در حد متوسط نگرش حمایتی نسبت به محیط‌زیست دارند. همچنین شهروندان دارای نگرش طبیعت‌محوری هستند، طوری که انسان را تنها یک گونه در میان گونه‌های حیوانی و گیاهی تلقی کرده و برای گیاهان و حیوانات حق حیات قایل هستند. این نتیجه‌گیری با فرض اول پارادایم محیط‌زیست نو که پیشتر ذکر شد، هماهنگ است. شهروندان بروز بحران محیط‌زیستی را محتمل می‌دانند. زیرا آن‌ها تا حدی از آثار جوامع انسانی و سبک زندگی ساکنان کره زمین بر محیط‌زیست آگاهی دارند. این آگاهی می‌تواند محصول عملکرد رسانه‌های جمعی و گردش آزاد اطلاعات باشد.

همچنین نگرش زنان به محیط‌زیست حمایتی‌تر است. زنان در بعد طبیعت‌محوری میانگین بالایی داشتند. افراد دارای جهت‌گیری ارزشی فرامادی نیز نگرشی حمایت‌گونه نسبت به محیط‌زیست داشتند. نتیجه‌ای که با نتایج تحقیقات پیشین

- | | |
|--|--|
| 2. New Environmental Paradigm | 10. Possibility of an Ecocrisis |
| 3. Human Exemptionalism Paradigm (HEP) | 11. Explaining Popular Support for Environmental Protection |
| 4. New Ecological Paradigm (NEP) | 12. Environmental Attitudes in Cross-National Perspective: A Multilevel Analysis of the ISSP 1993 and 2000 |
| 5. Ecosystem | |
| 6. Limits to Growth | |
| 7. Antianthropocentrism | |
| 8. The Fragility of Nature's Balance | |
| 9. Exemptionalism | |

فهرست منابع

- اینگلهارت، ر. 1373. تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.
- بنسون، ج. 1382. اخلاق محیط‌زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- رحمانی، ب. و مجیدی، ب. 1388. عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی، فصلنامه جغرافیای آمایش، شماره 7، صص 15-38.
- عطاری، س. 1387. پیر بردیو: از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال بیست و دوم. شماره یازده و دوازده.
- فاضلی، م. 1382. مصرف و سبک‌زندگی، نشر صبح صادق.
- جوادی، م. 1387. انسان‌محوری در اخلاق محیط‌زیستی با تأکید بر نگرش اسلامی، مقالات و بررسی‌ها، شماره 90. صص 47-66.
- ممتاز، ف. 1383. معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بردیو، پژوهش‌نامه علوم انسانی. شماره 42-42. بهار و تابستان.
- ولز، ک.؛ اینگلهارت، ر. و دیترکینگ‌مان، ه. 1382. توسعه انسانی: نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1980). *Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior* (Englewood Cliffs, NJ, Prentice Hall).
- Catton, W. 1982. *Overshoot: The Ecological Basis of Revolutionary Change*. USA: Published by the Board of Trustees of the University of Illinois
http://books.google.com/books?id=_eQ56mT6k4C&printsec=frontcover&cd=1&source=gbs_ViewAPI#v=onepage&q&f=false.
- Catton, W. & Dunlap, R. 1978. *Environmental Sociology: A New Paradigm*. *The American Sociologist*. Vol 13. Pp 41-49.
- Cudworth, E. 2003. *Environment and Society*. London and New York: Routledge Publication.
- Dunlap, R., Van Liere, K.; Mertig, A. & Emmet Jones, R. 2000. Measuring Endorsement of the New Ecological Paradigm: A Revised NEP Scale in *Journal of Social Issues*. Vol. 56, No. 3. pp. 425-442.
- Dunlap, R., & Van Liere, K. 1978. The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. *Journal of Environmental Education*. 9, 10-19.
- Dunlap, R., & Mertig, A. G. 1997. Global Environmental Concern: An Anomaly for Postmaterialism. *Social Science Quarterly*. 78, 24-29.
- Fietkau, H. J. & Kessel, H. 1981. *Umweltlernen: Veraenderungsmoeglichkeiten des Umweltbewusstseins. Modell- Erfahrungen* (Koenigstein, Hain).

- Franzen, A. & Meyer, R. 2008. Environmental Attitudes in Cross-National Perspective: A Multilevel Analysis of the ISSP 1993 and 2000. In *European Sociological Review*. Published by Oxford University Press.
- Gelissen, J. 2007. Explaining Popular Support for Environmental Protection. *Environment and Behavior*. vol. 39 no. 3. Pp 392-415. <http://eab.sagepub.com/content/39/3/392.full.pdf+html>.
- Hannigan, J. 1995. *Environmental Sociology*. London: Routledge Publication.
- Hines, J- M; Hungerford, H. R. & Tomera, A. N. 1987. Analysis and Synthesis of Research on Responsible Pro- Environmental Behavior: A Meta- Analysis. *The Journal of Environmental Education*. 18 (2). Pp 1-8.
- Humphrey, C.; Lewis, T. & Buttel, F. 2002. *Environment, Energy and Society: A New Synthesis*. Wadsworth Publication.
- Inglehart, R. 1981. Post- Materialism in an Environment of Insecurity. *The American Political Science Review*. V 75. Issue 4. Pp 880-900.
- Kaiser, F.; Wolfing, S. & Fuhrer, U. 1999. Environmental Attitude and Ecological Behavior. *Journal of Environmental Psychology*. Vol 19.
- Kollmuss, A. & Agyeman, J. 2002. Mind the Gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior?. *Environmental Education Research*, Vol. 8, No. 3.
- Stets, J. & Biga, Ch. 2003. Bringing Identity Theory into Environmental Sociology. *Sociological Theory*. New York. Pp 398- 423.
- Usui, M.; Vinken, H. & Kuribayashi, A. 2003. Pro-environmental Attitudes and Behavior: an International Comparison. *Human Ecology Review*. Vol 0. No 1.
- Stones, R. 1998. *Key Sociology Thinkers*. London: Mac Millan Press.
- Weininger, E. & Lareau, A. 2005. Cultural Capital. http://www.brockport.edu/sociology/faculty/Cultural_Capital.pdf.